

# بدايع و قايع

نخستين مسافرت مظفر الدين شاه به اروپا

۴

کالسکه شاهنشاه ایران تقریباً بیست زرع که بطرف خیابان جنگل پیش رفت هنوز بسجادات خانانه نو سازی که نمره (۱۰) داشت و غیر مسکون بود نرسیده جوانی عمده وضع ناگهان صغوف پلیس را شکافته چون دیوی بد سیر خود را به پله کالسکه همیونی رسانیده و طپانچه شش لوله ای را که در دست داشت بقصد پیکر شهریاری بلند کرده خراست تا مگر آسمی بی وجود مسعود مبارک برساند بخواست خداوند دادگر و اختر بلند شهریاری فرخ سیر. مقصود آن سفله نگون بخت بعدل نیامده قبل از آنکه تیر قضا رها شود جناب وزیر دربار بچابکی و جلدی تمام بند دست آن ناپاک را با پنجه فولادی محکم گرفت و چنان بفشرد که سلاح از چنگش جدا شده بخاک افتاد. در همین اثنا یکی از اجزاء نظمیه موسوم به ویلر مه نیز از پشت سر آن بد نفس را در بغل گرفته هر دو بزمین غلطیدند و بطرفه العینی سایر اجزاء نظمیه سر رسیده نادامیکه خلق در کمال اضطراب و پریشانی و در نهایت غضب و کینه وری فریاد انتقام می کشیدند و میخواستند آن شقی بی بالک را پاره پاره کنند. آن دیو بند گسسته را دستگیر و بزیر زنجیر در آوردند قوت قلب و جرأتی که در این مقدمه از اعلیحضرت شاهنشاه ایران بظهور رسید واقعاً مایه حیرت و عبرت همه حاضران و نظارگان گردید زیرا که با وجود همچو واقعه هایله ای که رخ داده بود وجود مسعود شهریاری

چون کوهی استوار ابداً وحشت و تزلزلی بخود راه ندادند و حتی اصرار ملتزمین که میخواستند اعلیحضرت را از رفتن به ورسایل مانع شوند مفید نیفتاده امر مبارک صادر شد که کالسکه سوی مقصد روانه شود.

### تفصیل رسمی این واقعه در روزنامه جات ازقراری است که عیناً مندرج میشود:

روز دوم ماه اوت حوالی ۹ ساعت صبح در وقتی که کالسکه اعلیحضرت پادشاه ایران از زاویه کوچه مالاکوف پیچیده داخل خیابان بوادوبولونی شده بود و مادامیکه ژنرال پاران مهمان دار کسه در کالسکه شرف ملازمت داشت بطرف یکی از قراولان نگارد مخصوص نظر میکرد یکمرتبه شخصی از میان صفه ف تماشاچیان خود را بیرون انداخته بشتاب تمام خود را بطرف راست کالسکه اعلیحضرت شاهنشاه رسانید و رولوری که در دست راست داشت به قصد پادشاه ایران بلند کرد. از مشاهده این حرکت جناب وزیر اعظم و جناب میرزا محمودخان وزیر دربار که اولی در طرف چپ اعلیحضرت و دومی در دست راست ژنرال پاران نشسته بودند یکمرتبه از جابرای جلوگیری آن شرور منفور بلند میشوند. جناب وزیر اعظم که بواسطه مجاورت وجود مسعود همیونی نمیتواند خود را به قاتل رسانند بضرع دست، دست آن خبیث را از طرف اعلیحضرت شهریاری منحرف میسازند و جناب میرزا محمودخان وزیر دربار مچ دست آن بدنفس را به قوت نگاهداشته نمیگذارد تیرش رها شود. در این حال میرزا محمودخان میان شاه و

قاتل واقع میشود و خود را سپر جسم مبارک مینماید. جناب وزیر اعظم و ژنرال پاران که در این وقت با آزادی میتوانسته در کالسکه حرکت نمایند به کمک جناب وزیر دربار آمده دستهای آن بدگهر را که میخواست با دست چپ شش لوله را گرفته و قصد خود را بعمل آورد محکم نگاهداشتند. بالاخره جناب وزیر دربار که در این کشمکش لوله طپانچه محاذی ذبح ایشان واقع و دچار خطر عظیمی بودند به عنف طپانچه را از چنگ آن بدخواه بیرون آورده تسلیم اجزاء نظامیه نمودند و از اطراف مردم متفرقه و سربازها راه گریز را بر آن مردود مسدود نموده گرفتارش کردند.

هماندم کالسکه اعلیحضرت شهریار با دو نفر پلیس دو چرخه سوار بجانب مقصود روانه گردید. ژنرال پاران با احتیاط آنکه مبادا مستحفظین موبک همایونی کافی نباشند دو نفر صاحب منصب موسیولاسون سرهنگ فوج اول سواره زره پوش و موسیوفری سانکرنایب فوج ۱۹ سوار ذخیره و قورخانه را که از گردش جنگل معاودت مینمودند صدا زده یکیرادر طرف راست و دیگریرادر طرف چپ کالسکه همایونی قرار داده باین هیئت موبک همایونی به پل کنکور دکه در آنجا اعلیحضرت شاهنشاه میبایست بکشتی سوار شوند نزول اجلال نمود.

در این مقدمه از اعلیحضرت مظفرالدین شاه نهایت قوت قلب و جرأت و جلادت بمنصه ظهور رسید. چنانچه پس از رفع غائله، اعلیحضرت شهریاری در کمال بشاشت تبسم کنان بملترمین میفرمودند که ظهور

آن سانحه چندان سریع و ناگهان واقع شد که وجود مبارك فرصت استعمال قداره چوب دست خود را نکرند. بالجمله پس از آنکه آن ملعون بدست پلیس گرفتار شد مردمی که در اطراف کالسکه بودند یکمرتبه فریادشادی بلند کرده از سلامت ذات مقدس ماو کانه بی نهایت اظهار خرمی و خوشوقتی بجا آوردند.

در ساعت ۹ و نیم اعلیحضرت شاه با وزیرایی که ملتزم بودند نزدیک پل کونکور دبه یکی از کشتیهای کوهپانی پاریزین سوار شدند. عدّه اشخاصی که در کشتی ملازمت داشتند قریب به بیست نفر میرسید که از آنجمله موسیولینگ و موسیو کروزیه و موسیور وایه بودند. سه فروند جهازات کوچک نظامی که مخصوصاً از بندر برست آمده بودند در اطراف کشتی اعلیحضرت سیر مینمودند و اعلیحضرت در روی عرشه کشتی قرار گرفته و همه جا در عرض راه دورنمای اطراف رودخانه که نهایت طراوت و صفا را داشتند بنظر دقت ملاحظه و تمجید مینرمودند تا آنکه حوالی ساعت ده کشتی بمحاذات سوز رسید و موکب همایونی تشریف فرمای کارخانه معروف این شهر گردید. موسیور وژن رئیس اداره صنایع ظرفیه و سایر کارگزاران کارخانه دولتی مقدم مبارك را پذیرائی و استقبال کردند. اعلیحضرت شهریاری مختصر آدر کارخانه جات گردش فرموده در خصوص پختن و قالب گرفتن چینی بعضی تحقیقات فرموده و در حضور مبارك يك فوجان کوچکی ابعثاً کارگران کارخانه ساخته و در

کوره نهادند و پس از پخته شدن باد و ظرف بسیار ممتاز بخاک پای مبارک یادگار تقدیم شد .

در ساعت ۱۱ موکب همایونی بطرف ورسایل حرکت نمود و یک دسته سوار زره پوش که در خارج کارخانه حاضر بودند در اطراف کالسکه ها بچراغ آمدند. مقرران ظهر موکب همایونی بعمارت ورسایل رسیده سربازان سلام نظامی دادند و موزیک آهنگ ملتی ایرانرا بنوازش آورد و مادامیکه کالسکه شاه از نرده آهنی ورسایل داخل محوطه عمارت میشد صدای شاباش و هورای مردم بلند گردید. اعلیحضرت شهریار ایران در مدخل ضلع چپ عمارت از کالسکه فرود آمدند و در این وقت بواسطه طول راه اندک خستگی داشتند ولی با وجود آن با کمال خوش روئی و تبسم کنان بحاکم شهر که اختصاراً خوش آمد و تبریک عرض نمود اظهار محبت و الطاف خسروانه فرمودند. اعلیحضرت و ملتزمین و وزراء فرانسه ابتدا در مرتبه اول عمارت دوتالار بزرگ معروف را تماشا کرده و بعد به تالار ۱۸۳۰ که میزناهارشصت نفره در آنجا ترتیب شده بود تشریف فرما شدند. موسیو دلکاسه وزیر امور خارجه فرانسه که آن روز مهمان دار و به اصطلاح صاحب منزل بود در مقابل اعلیحضرت شاهنشاهی نشست و موسیو لیگن وزیر علوم در دست راست و موسیو پیکار و رئیس اکسپوزیسیون در دست چپ اعلیحضرت جای گرفتند. در دست راست وزیر امور خارجه جناب اشرف اتابک اعظم و در دست چپ ایشان جناب میرزا محمودخان وزیر دربار جای داشتند.

و سایر مدعوین نیز هر يك بفرأخور حال در محل خود قرار گرفتند. ناهار يكساعت تمام طول کشید و در سر میز هیچگونه نطق و تواست واقع نگردید. بعد از انجام ناهار اعلیحضرت شهرباری و ملتزمین به دالان آینه تشریف بردند و از آنجا قریب ده دقیقه منظره باغهای و رسایل و تپه‌های اطراف که کمال صفا و قشنگی را داشتند تماشا فرمودند و مکرراً از زیبایی آنجا تعریف و تمجید نمودند. پس از آن به دیدن سایر تالارها و اطاقهای عمارت تشریف بردند، و وقایع تاریخی و اتفاقات عمده‌یی که در هر يك از آن تالارها رخ داده بود کار گزاران موزه و سایرین بخاک پای مبارک و معروض داشتند. تابلو‌ها و اشیاء نفیسه و کولکسیونهای بی نظیر و وسایل بسیار در نظر مبارک جلوه کردند و پس از انجام گردش عمارت قدری نیز در پارک و رسایل گردش فرموده بطرف پاریس مراجعت نمودند و بواسطه قلت وقت، تشریف فرمائی بمیدان تیراندازی ساتوری آن روز موقوف ماند.

در پآله دسوورن. حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر جناب موسیولوبه بسلاقات اعلیحضرت آمدند و قریب يك ربع ساعت توقف ایشان طول کشید. جناب اشرف اتابك اعظم و جناب نظر آقا نیز در موقع ملاقات حضور داشتند. رئیس جمهوری از قضیه هایلّه صبح خیلی اظهار افسوس و از سلامتی ذات مقدس ملو کانه اعلیحضرت مظفرالدین شاه را تبریک و تهنیت گفتند. ذات اقدس ملو کانه نیز از حسن نیت ایشان مراسم تشکر بجا آورده مسرت و خوشوقتی خودشانرا از رفتن به سوور و رسایل

بجناب رئیس جمهوری اظهار داشتند. پس از مراجعت جناب موسیولوبه  
اعلیحضرت شهریاری بهاپارتسان خودشان تشریف برده مشغول انجام  
مهام سلطنتی وقرائت نوشتهجات وپستایران شدند ودر ساعت ۸ شام  
میل نموده شب را با ملتزمین دربار در عمارت بسر بردند .

روز جمعه ۳ اوت اعلیحضرت شاهنشاه در ونس برای سانلشکر  
دعوت داشتند، ودر ساعت هشت به قصد آنجا حرکت فرمودند. از امروز  
دیگر پلیس مردم را از اجتماع در خیابان مالاکوف منع میکرد و تماشاچیان  
در زاویه خیابان بوادوبوننی در عقب یک صف پولیس جمع شده تجاوز  
نمیتوانستند کرد. با وجود زودی موقع حرکت اعلیحضرت باز قریب  
پانصد ششصد نفر برای ملاقات موکب همایونی جمع شده بودند و چون  
کالسکه همایونی بطرف میدان اتوال براه افتاد زبان بحمد و ثنا و شکر  
از سلامت وجود مقدس شهریاری باز نمودند .

در دست چپ اعلیحضرت ژنرال آندره وزیر جنگ و در مقابل  
ایشان جناب اتابک اعظم و ژنرال پاران در کالسکه التزام داشتند .  
دسته سوار نظام از اطراف کالسکه همایونی را در میان گرفته بود و  
معلوم بود که آن روز شرایط احتیاط و حفظ موکب مبارک سخت تراز  
روزهای سابق بعمل میآید . اعلیحضرت شاه ایران برای این موقع  
لباس رسمی بسیار قیمتی که بسر دوشهای آن زمردهای بزرگ بسیار  
گران بها نصب شده بود پوشیده بودند و سایر ملتزمین رکاب نیز تمام  
لباس رسمی در برداشتند و بقدری موکب همایونی در این روز شکوه

داشت که مافوق آن متصور نمیشود فقط نقصی که شخص می‌توانست در این موقع متذکر شود گرتگی هوا و نبودن آفتاب بود که بآن لباسهای زرین درخشان شده بر جلوه و تلالو آنها بیفزاید. در ساعت ده صدای شلیک ۱۰۱ تیر توپ سلام بلند گردید و مقدمه موکب همایونی وارد میدان مانور که بهمه جهت ۱۷ باطالیان پیاده نظام و سواره و توپخانه در آنجا برای سان حضور مبارک حاضر شده بودند وارد گشت .

کالسکه همایونی که ژنرال اندره و وزیر اعظم نیز در آن شرف حضور داشتند و در حالتی که یک پلوتن سوار نیزه دار پیشاپیش آن میرفتند از جبهه صفوف بحرکت آمد و در مقابل هر فوجی که میرسید موزیک آن آهنگ ملتی ایران را مینواخت. پس از اتمام صف اول کالسکه همایونی بتاخرت پشت سر صفوف پیچیده در آخر صف دوباره بقدم از جلو صفوف توپخانه و سواره گذشته بطرف صفاها و ایوانهاییکه برای جلوس اعلیحضرت معین شده بودند در حرکت آمد. در این بین صفوف پیاده نظام از محل خود حرکت کرده بحالت ستون برای دفیله حاضر شدند و توپخانه و سوار نظام نیز در آخر میدان هر یک در محل خود قرار گرفتند .

همینکه اعلیحضرت و ملتزمین در ایوان مرکزی قرار گرفتند دفیله شروع شد. در مقدمه صفوف ژنرال فورانتن بحرکت آمده و در دنباله ایشان فوج ۲۹ شاسور شروع به دفیله نمود. به رؤیت بیرق اعلیحضرت شهر یاری سلام نظامی بجا آوردند و این احترام شاهنشاه. اسباب تشکر و سپاس داری مردم شده صدای شاه زنده باد از اطراف بلند گردید .

ناتمام